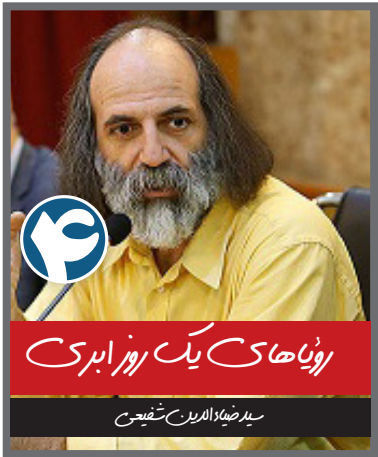




در بخش هدهد بخوانید
نامه‌ات همین الان رسید

آقای شادی و خانواده در طبیعت



در همین صفحه بخوانید

گفت‌وگو با برگزیده بخش انیمیشن جشنواره خوارزمی

اولش فکر کردم سرکاری است

هفت

۴ صفحه ضمیمه نوجوان روزنامه شماره ۳۸۸
www.qudsonline.ir
یکشنبه ۷ خرداد ۱۳۹۶ | ۲ رمضان ۱۴۳۸ | ۲۸ می ۲۰۱۷

بارعایت سلامت غذایی در ماه رمضان از روزه داری لذت ببرید

افطار و سحر نوتر جان

نکته مهم در تغذیه ماه مبارک رمضان، انتخاب صحیح نوع غذاست. غذاهایی که ما می‌خوریم، مهم‌ترین فاکتور تعیین‌کننده سلامتی و بیماری‌های ماست.

عنبر

رضا عطاران
مهناز افشار
ویشکا آسایش
حسام نواب صفوی
رضا ناجی
میرحسین آرمین
سروش گرجستانی
علی قربانزاده

این روزها هنرنگ عنبر ۲ با این که فیلمنامه ضعیفی دارد، بدجور در گیشه می‌تازد

فقط به خاطر عطاران

۹ فکر می‌کردی در جشنواره اول شوی؟

واقعاً نه! چون تعداد کسانی که در بخش انیمیشن شرکت کرده بودند زیاد بود و رقابت خیلی سخت بود. از خود شیراز فقط ۸ طرح به جشنواره ارسال شده بود و وقتی به من اطلاع دادند که نفر اول شده‌ام، باورم نمی‌شد و فکر می‌کردم سرکاری است. تازه وقتی گفتند باید به تهران برویم، احساس کردم که مجبوراً کمی جدی‌تر هستم، اما باز هم رتبه اول را باور نمی‌کردم تا وقتی که من را به‌عنوان رتبه اول معرفی کردند.

بیشتر ساعت‌های استراحت را چطور می‌گذرانی؟

شاید شعاری باشد، اما من سعی می‌کنم از کمترین وقتم برای خواندن کتاب استفاده کنم، زیرا معتقدم کتاب خیلی بیشتر از فضای مجازی و یا اینترنت می‌تواند برای من مفید باشد.

چند ساعت در تهران روز می‌خوانم؟ ۸ ساعت
چند درس می‌خوانی؟ ۵ ساعت مفید
چند نوع کتاب می‌خوانی؟ بیشتر هنری و تاریخی هنر
فیلم چقدر می‌بینی؟ اگر فرصت کنم سعی می‌کنم فیلم‌های هنری و علمی‌تخیلی
دوست صمیمی داری؟ بله، با هم درس می‌خوانیم
چند ساعت در فصل‌های مجری می‌گذرانی؟ نیم ساعت در روز

۶ در حال حاضر چه رشته‌ای درس می‌خوانی؟

سال آخر گرافیک هستم و معدل سال گذشته‌ام هم حدود ۱۸،۹۰ شد.

۷ برای انتخاب رشته گرافیک پدر و مادرت مخالف نبودند؟

چرا اتفاقاً، چون پدر و مادرم اصلاً هنری نیستند. سال اول دبیرستان به اصرار آن‌ها به رشته تجربی رفتم، اما سال دوم تغییر رشته دادم و گرافیک را انتخاب کردم. پدر و مادرم مخالف بودند، اما وقتی دیدند من به هنر علاقه دارم، دیگر مخالفت نکردند و فضا را برای من مهیا کردند.

۸ برای طرح چقدر به مشکل خوردی؟

همه چیز خوب بود، اما چیزی که خیلی آزارم می‌داد این بود که درس و کارم با هم تلاقی پیدا کرده بود و باید در کنار درس، کار پژوهشی انجام می‌دادم که این واقعاً برایم فشار مضاعف بود و برایم فشار روانی ایجاد کرده بود.

۱۱ چقدر تلویزیون می‌بینی؟

اصلاً اهل تماشای تلویزیون نیستم.

۱۲ یعنی حتی اخبار را هم دنبال نمی‌کنی؟

چرا، از آنجاکه تلویزیون ما همیشه روشن است و ساعتی که از اتاقم بیرون می‌آیم اصولاً با ساعت اخبار یکی است، اخبار را دنبال می‌کنم، اما سعی می‌کنم برنامه‌ام را طوری تنظیم کنم که خیلی درگیر اخبار نشوم، چون بعضی از خبرها حساسی من را بهم می‌ریزد و باعث می‌شود خواب‌های آشفته ببینم.

۱۳ چقدر در فضای مجازی گشت می‌زنی؟

خیلی کم، چون اصلاً به‌نظرم فایده ندارد. شاید در دید اول این فضا به‌نظر خیلی‌ها جذاب بیاید و همه فکر کنند که می‌توانند خیلی چیزها در آن پیدا کنند، اما اگر از دور به آن نگاه کنید می‌توانید ببینید که فضای مجازی مثل باتلاق می‌ماند و هرچه در آن وارد شوید، بیشتر شما را داخل خودش می‌کشد و به‌نظر من هم انسان عاقل کسی است که خودش را از خطر دور کند و درواقع فضای مجازی اگر درست استفاده نشود، خطر است.

گفت‌وگو با برگزیده بخش انیمیشن جشنواره خوارزمی

اولش فکر کردم سرکاری است

ملیحه محمودخواه | دنیای هنر برای خودش عالمی دارد. این که با رنگ و طرح و تصویر در ارتباط باشی گاهی آنقدر جذاب می‌شود که زمان و مکان را فراموش می‌کنی. این حرف‌ها را آن‌هایی بهتر درک می‌کنند که تابه‌حال یک تابلوی نقاشی کشیده‌اند و یا اینکه عاشق کارهای هنری هستند. «ملیکا قنبری» از آن دست دانش‌آموزانی است که محل زندگی‌اش در هنر او بی‌تأثیر نبوده است. او اهل شیراز است و هنر در این شهر موج می‌زند. او پیش‌دانشگاهی است و در هنرستان اندیشه شیراز درس می‌خواند. او یک انیمیشن (پویانمایی) به نام «آلهه عشق» طراحی کرده که با ارائه آن به جشنواره خوارزمی توانسته رتبه اول گروه هنر را به‌دست بیاورد. تک دختر خانواده قنبری، معلم‌ها و خاله‌هایش که همه هنری هستند را در گرایش به این رشته بی‌تأثیر نمی‌داند. گفت‌وگوی ما را با او بخوانید.

۹ داستان و ایده‌پردازی آن با خودت بود؟

بله، همه‌اش برای خودم بود، اما در این راه خانم سخنوری و زراعت‌پیشه و معصومی که از معلمان مدرسه بودند، خیلی کمک کردند که از آن‌ها ممنونم.

۸ اصلاً چطور شد که به هنر گرایش پیدا کردی؟

از بچگی به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌رفتم و در کلاس‌های نقاشی شرکت می‌کردم. جرقه هنر آن‌جا در ذهنم روشن شد. البته خاله‌هایم هم همه هنری هستند و این بی‌تأثیر نبوده است.



۱۰ چطور از برگزاری مسابقات خوارزمی مطلع شدی؟

در مدرسه به ما خبر دادند و مشاور مدرسه به کلاس‌ها می‌رفت و با دانش‌آموزان صحبت می‌کرد و از آن‌ها می‌خواست طرح‌هایشان را برای این جشنواره بفرستند. ما هم یک گروه ۸ نفری بودیم که با هم دوست بودیم و همه‌مان تصمیم گرفتیم در جشنواره شرکت کنیم، اما در این میان تنها من رتبه آوردم.

انیمیشن

ایده اولیه انیمیشن آلهه عشق چطور به ذهنت رسید؟

هرچقدر فناوری پیشرفت و علم گسترش پیدا می‌کند، روابط بین آدم‌ها ضعیف‌تر می‌شود و بیشتر ما نسبت به خانواده‌هایمان و پدر و مادرهایمان بی‌تفاوت هستیم و این موضوعی بود که از مدت‌ها ذهنم را درگیر کرده بود و انیمیشنم را براساس آن درست کردم.

۱۳ موضوع آن چیست؟

موضوع آن سالمندان است. این انیمیشن یک برنامه کامپیوتری است که مدت چندماه روی آن کار کردم. این انیمیشن با کارتون ماجرای پسر است که تصمیم دارد مادر پیرش را به خانه سالمندان ببرد، اما در طی راه اتفاق‌هایی برایش پیش می‌آید که او از این کار پشیمان می‌شود.



بارعایت سلامت غذایی در ماه رمضان از روزه داری لذت ببرید

افطار و سحر نوش جان

در بسته خبری امروز به خاطر فرارسیدن ماه مبارک رمضان، گزارشی از آداب صحیح تغذیه برای تان جمع و جور کرده ایم. توی ماه رمضان یکی از موضوعات مهمی که لازم است حواسمان خیلی به آن باشد تا حالمون گرفته نشده و بتوانیم به امید خدا این ماه را به خوشی و حال خوب بگذرانیم و دچار عوارض جسمی و یا عصبی نشویم، توجه به آداب صحیح تغذیه است.

کی و چطور غذا بخوریم؟

به نظر کارشناسان اگر توی ماه رمضان حواسمان به چهار نکته اصلی زمان غذا خوردن، میزان غذا خوردن، چگونگی غذا خوردن و انتخاب نوع غذا باشد، می توانیم از پس اعمال این ماه بدون مشکل و دردسر بر بیاییم. در ماه مبارک رمضان زمان غذا خوردن دارای سه مرحله سحر، افطار و شام است که نکته مهم در مورد این سه مرحله، جدا کردن افطار از شام است. نکته بعد مربوط به سحر است. توی سحرهای ماه مبارک رمضان لازم است برنامه ریزی مشخصی داشته باشید تا هم به دعا و عبادت تان برسید و هم زمان کافی برای غذا خوردن داشته باشید. بیشتر ما برای سحری دیر بیدار شده و خواب آلود سر سفره می نشینیم و به زور مامان و بابا دو سه لقمه غذا می خوریم یا برای اینکه از قافله عقب نمانیم، تند تند بشقاب غذا را توی دهانمان خالی می کنیم. یادتان باشد تند غذا خوردن در سحر یکی از موارد اشتباه غذایی است که اثرات بدش را بعد از چند روز روزه گرفتن در سیستم گوارش رو خواهد کرد. اگر نمی خواهید توی این ماه دچار سنگینی معده، ترش کردن معده و ناراحتی های معده و روده شوید، در سحر آرام آرام غذا بخورید و هول نباشید.

چقدر غذا بخوریم؟

نکته دیگری که کارشناسان درباره تغذیه در ماه مبارک رمضان به آن اشاره می کنند، میزان غذا خوردن است. میزان غذا خوردن هم که می دانید یعنی چه؟ یعنی اینکه به خاطر فشار گرسنگی، بعد از اذان همه مواد خوراکی که توی سفره است را نوش جان نکنیم و اندازه غذا خوردنمان را حساب کنیم. یکی از مشکلات در سیستم غذایی بسیاری از افراد این است که نمی توانند حجم غذایی را که می خورند،

کنترل کنند. یادتان باشد که حجم غذای افطار باید بسیار کم باشد تا جا برای شام داشته باشید. شام را هم به اندازه های بخورید که خواب راحتی داشته باشید و هیچ وقت با معده پر به رختخواب نروید.

چی بخوریم؟

نکته مهم دیگر در تغذیه ماه مبارک رمضان، انتخاب صحیح نوع غذاست. غذاهایی که ما می خوریم، مهم ترین فاکتور تعیین کننده سلامتی و بیماری های ماست. تغذیه در ماه رمضان باید جوری باشد که مواد لازم ۲۴ ساعت بدن، یعنی کربوهیدرات ها، چربی، پروتئین، فیبر، ویتامین ه، آنزیم ها و مواد معدنی را به آن برساند. پس خوردن گوشت و لبنیات را جدی بگیرید و از خوردن میوه و سبزیجات هم غافل نشوید. در ادامه چند نکته ساندویچی را برای شما انتخاب کرده ایم. به نظرمان خوب است که روزه اولی ها این نکات را جدی بگیرید.

روزه تان را با نوشیدنی سرد یا چای داغ افطار نکنید. بهتر است با یک لیوان آب یا شیر ولرم به همراه خرما افطار کنید. خاکشیر و عرقیات را برای نیم ساعت تا یک ساعت بعد از افطار بگذارید. این خوشمزه ها آب بدن شما را تأمین می کنند. صدار گفته و باز هم می گویم تا می توانید زولبیا و بامیه نخورید.

غذاهای چرب و چیلی، سرخ شده و پُر ادویه را حذف کنید. از افطار تا سحر حداقل ۸ لیوان آب بنوشید. در سحر نوشابه گازدار نخورید. غذاهای آب پز و خورشت های کم نمک و آب دار را در بایید. ماکارونی، نان سبوس دار و غلات را در وعده های سحر و افطار شرکت دهید. شام را دوساعت پس از افطار بخورید و از ما می شنوید، به معض خوردن سحری نخوابید.



فارس

حمایت مردم قم از مردم بحرین

قمی ها به خاطر اینکه ناراحتی شان را از اتفاقات بحرین نشان داده و بگویند که نسبت به درد کشیدن هم نوازشان بی خیال نیستند، در حمایت از مردم بحرین راهپیمایی کردند.



یون دارن

فارس

بدون صبحانه افسرده می شوید

دانشمندان کره جنوبی تحقیق کرده و فهمیده اند افرادی که صبحانه نمی خورند، تا ۴۳ درصد بیشتر از دیگران در معرض ابتلا به افسردگی قرار دارند. آن طور که یافته های محققان نشان می دهد، اولین واکنش بدن به عدم دریافت مواد غذایی، ترشح هورمون استرس است؛ محققان می گویند نوجوانانی که صبحانه مصرف نمی کنند، وقتی بزرگ تر شوند، به خوردن این وعده غذایی بی میل تر می شوند و ممکن است توی سن وسال بالا بیشتر دیابت و هزار جور درد و مرض دیگر بگیرند.



از ما گفتن بود

مهر

دسته گل جدید آل سعود

مقامات سعودی که این روزها مدام در حال انجام شاهکارهای جورواجور هستند، به تازگی با یک حکم قضایی عجیب و غریب و ناعادلانه، رسانه ها را شوکه کرده اند. براساس خبرها، مقامات سعودی برای چهارده شهروند عربستانی در شرق این کشور، فقط به این جرم که در تظاهرات شرکت کرده اند، حکم اعدام بریده اند. این درحالی است که نظامیان آل سعود با گذشت بیش از دوهفته از یورش به العوامیه در شرق عربستان، همچنان از سلاح های ممنوعه ضد غیرنظامیان و مردم عادی استفاده می کنند. نیروهای نظامی به جای ایجاد امنیت، مشغول غارت مغازه هستند و همچنان ماشین های نظامی در حومه شمالی العوامیه حضور دارند. آل سعود همچنان زباله ها را جمع آوری نمی کند و مانع از انجام وظایف رفتگران در شهرک های قدیم و البحاری از زمان محاصره العوامیه شده است.



ظلم پایدار نمی ماند

این روزها نهنگ عنبر ۲ با این که فیلم نامه ضعیفی دارد، بد

فقط به خاطر عطاران



فقط عطاران و بس

اساساً در سینمای دنیا وقتی فیلمی به فروش بالایی دست پیدا می کند، فیلمساز تصمیم می گیرد بعد از چندسال دوباره ادامه آن فیلم را بسازد. شاید این شیوه فیلم سازی در سایر کشورها با موفقیت همراه باشد، اما در کشور ما در اکثر اوقات اگر یک فیلم با فروش قابل توجهی مواجه شود، فیلمساز تصمیم می گیرد ادامه فیلم را بسازد، اما این بار علاوه بر کارگردانی، تهیه کنندگی اثر را هم برعهده می گیرد. اصولاً فیلم های دنباله دار در سینمای ایران اگر به فروش بالایی هم دست پیدا کنند، مطمئناً به دلیل حضور بازیگر نقش اول است و کیفیت فیلم نادیده گرفته می شود. نهنگ عنبر ۲ که دو هفته ای است به اکران عمومی درآمده، مصداق درستی از توضیحات داده شده است. اساساً این فیلم به شدت متکی به رضا عطاران و ابعاد شخصیتی اوست و تماشاگر به پیشینه درخشانی که از بازی های او دارد برای دیدن فیلم نهنگ عنبر ۲ به سینما می رود. اتکا بیش از اندازه فیلم به عطاران به جایی می رسد که تماشاگر با خودش می گوید اگر رضا عطاران نبود، واقعاً چه کسی رغبت تماشای این فیلم را داشت؟



نویسنده یا طراح؟

رضا عطاران
مهنراز
ویشکا آسایش
حسام نو
رضا ناجی
امیرحسین
سیروس گ
و
علی قربان

داستان نهنگ عنبر ۱ را به یاد دارید؟ واقعاً فکر اینکه قرار است سامان مقدم چه داستانی را برای ادامه قسمت دوم انتخاب کند، سخت بود، ولی خب تمام شواهد نشان می داد که آقای کارگردان بی خیال شخصیت های خلق شده در قسمت اول نمی شود. در خلاصه داستان نهنگ عنبر ۲ آمده است که؛ ارژنگ(رضا عطاران) و رؤیا(مهنراز افشار) بالاخره پس از سال ها با یکدیگر ازدواج کرده اند و درحال رانندگی برای رسیدن به محل برگزاری مراسم ازدواجشان در شمال هستند. آن ها درطول مسیر، خاطرات گذشته خود را مرور می کنند! با خواندن این خلاصه داستان، احتمالاً شما هم مثل ما فکر کرده اید که تیم سازنده فیلم نمی خواستند که ماجرای فیلم را لو بدهند، ولی خب حالا که فیلم را تماشا کرده ام، قاطعانه می گویم که اصلاً و ابداً خلاصه نهنگ عنبر ۲ با همین چند خط داستانی که برایتان تعریف کردیم، فرقی ندارد. آن قدر داستان فیلم ساده و الکی است که به نظر می رسد به جای اسم نویسنده باید از اسم طراح صحنه برای فیلم نامه نویسی نهنگ عنبر ۲ استفاده کنیم. می گویم طراح، چون اصلاً نمی توانیم داستان خاصی برای یک ساعت و خورده ای زمان فیلم مطرح کنیم. همه چیز به فلش بک(برگشت به عقب) می گذرد و بس. انگار جناب کارگردان کلاً چند سکانس موزیکال و خنده دار در ذهن داشته که به هر دلیلی در قسمت اول فیلم جاناشده و حالا تصمیم گرفته به کمک همین سکانس ها، یک فیلم جدید بسازد. تعجب ما زمانی بالا می گیرد که یک ربع انتهایی فیلم، به یکباره تم(حس و حال) فیلم از خنده و شوخی با یک سکانس ناگهانی به غم و اندوه برمی گردد؛ اتفاقی که احتمالاً می خواسته کمی به نهنگ عنبر ۲ رنگ و بوی یک فیلم داستانی را بدهد، ولی خب با تغییر بی منطق ۱۸۰ درجه ای تم فیلم؟



اخبار کوتاه

فصل سوم شهرزاد آغاز شد

تصویربرداری فصل دوم سریال شهرزاد به کارگردانی حسن فتحی از ۱۵ مهر آغاز شد و بعد از یک توقف کوتاه تا اواخر شهریور همچنان ادامه دارد. به تازگی همزمان با تصویربرداری بخش های پایانی فصل دوم، فصل سوم سریال شهرزاد نیز در سکوت خبری جلوی دوربین فتحی رفته است. فصل سوم این سریال با فاصله کوتاهی از فصل دوم بخش می شود و با اتفاقات جالب و عجیبی در داستان همراه خواهد بود. شهرزاد اولین ملودرامی است که با به تصویر کشیدن زندگی در دهه ۳۰ شمسی، موفق به جلب توجه عده زیادی از مخاطبین شده است، به گونه ای که کم نیستند افرادی که برای فرارسیدن روز دوشنبه و خرید سی دی جدید شهرزاد، لحظه شماری می کنند.

«نصرت عنبی» در تعقیب «گشت ۲»

نگاهی به جدول فروش فیلم‌های سینمایی



هیچ کسی و هیچ چیزی جلودار فروش بالای نهنگ عنبی ۲ نیست! سامان مقدم ۲۹ اردیبهشت درست در اوج انتخابات ریاست‌جمهوری توانست رکورد بیشترین فروش روزانه یک فیلم را در تاریخ سینمای ایران برزند. اگر این فیلم به همین شکل در گیشه جلو برود، شکست رکوردهای دیگر اصلاً دور از ذهن نیست.



عجیب ولی واقعی در گیشه این‌روزها! فیلم «قلب سفید قاصدک‌ها» محصول بنیاد سینمایی فارابی طی ۱۰ روز آکران تاکنون تنها ۶ هزار تومان فروش داشته است. با احتساب سهم شهرداری، مالیات بر ارزش افزوده و سهم سینما، درآمد خالص این فیلم کودک ۲۳۲۲ تومان بوده است!

در قسمت دوم، شخصیت جدیدی نیز به داستان اضافه شده که دوست صمیمی ارژنگ و رؤیاست، اما به‌طور عجیبی ابتدا در قسمت یک حضوری نداشته، اما در قسمت دوم تقریباً در تمام لحظات زندگی این دو حضور دارد! شهاب که حسام نواب‌صفوی نقش آن را ایفا می‌کند، شخصیت معلوم‌الحالی است که نه پرداخت مناسبی دارد و نه مشخص وضعی‌تیش در طول داستان قابل‌وصف است.

علیرضا کارانیا | همه‌چیز برای حضور نهنگ عنبی ۲؛ سلکشن رؤیا در جشنواره فیلم فجر سال گذشته آماده بود. این‌که چه اندازه این فیلم می‌تواند شانس کسب موفقیت در کوران داوری را داشته باشد، اصلاً مهم نبود. در دورانی که همه از آشک و غم و آه حرف می‌زنند، حضور یک فیلم سراسر کم‌دی می‌تواند یک خبر خوب باشد، ولی خب «سامان مقدم» ترجیح داد نهنگ عنبی ۲ را به‌پایانه طول کشیدن مراحل فنی از جشنواره فجر خارج کند و به‌کلی بی‌خیال داوری شود. حالا که نهنگ عنبی ۲ آکران شده است، متوجه می‌شویم که جناب مقدم چه کار خوبی انجام داد که خودش و فیلمش را در معرض قضاوت جشنواره امسال قرار نداد، شاید آن‌وقت دیگر خبری از این رکوردشکنی‌های پیاپی فیلم نبود.

داستانم آرزوست

قسمت دوم «نهنگ عنبی» فاقد داستان مشخصی است و تمام و کمال در فلش‌یکی (بازگشت به‌عقب) دنبال می‌شود که اتفاقاً در این برگشت به عقب هم خبری از فیلم‌نامه و داستان منسجم نیست. فیلم که آغاز می‌شود، مخاطب با مجموعه‌ای از حرکات موزون مواجه می‌شود که مشخصاً شبیه به کلیپ‌هایی است که در دو سال اخیر از طریق شبکه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته می‌شود و در آن افراد مختلف سعی در بازه بودن با تقلید از موزیک ویدئوهای مشهور دارند. اینکه در قسمت دوم، سامان مقدم چنددقیقه از زمان فیلم را به‌طور تمام و کمال به بازسازی یک قطعه از فیلم موزیکال «گریس» با بازی «جان تراولتا» و «ولوبیا نیوتن» اختصاص داده، نشان می‌دهد که مقدم بیش از آنچه که نیاز بوده، تحت‌تأثیر فعالیت افراد در شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته است و حال برای آنان رقصی جدی ایجاد کرده است. البته بازسازی هر اثر یا رویدادی به‌تنهایی یک ضعف محسوب نمی‌شود، بلکه باید ببینیم که واقعا این بازسازی‌ها در کنار هم می‌تواند به جلو رفتن ماجرای فیلم کمک کند؟ نه اینکه به کلی فیلم بر چندسکانس موزیکال بی‌ارتباط به‌هم استوار شود. شما به داخل ماشین و زمان حال می‌آید، به یکباره ارژنگ داستان به گذشته برمی‌گردد و همین جوری الکی برای خودش یک داستانی را تعریف می‌کند. خب جناب مقدم عزیز، هشتاد درصد این فلش‌یک‌ها که اصلاً بود و نبودش فرقی ندارد!

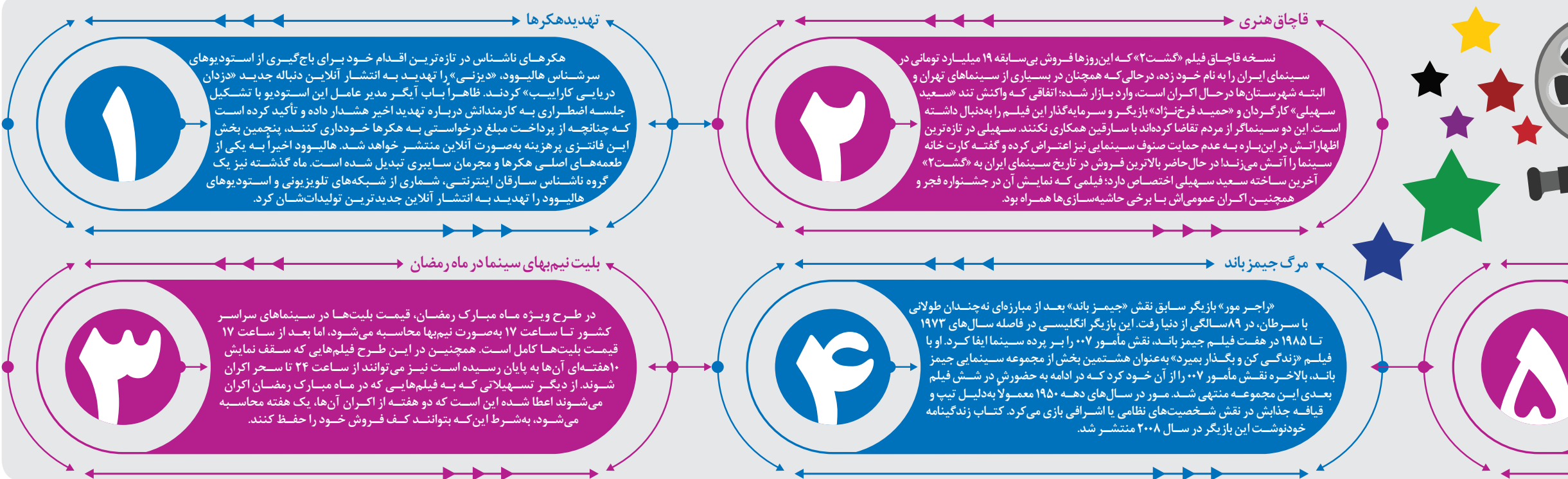


تو از کجا پیدات شد؟

در قسمت دوم، شخصیت جدیدی نیز به داستان اضافه شده که دوست صمیمی ارژنگ و رؤیاست، اما به‌طور عجیبی ابتدا در قسمت یک حضوری نداشته، اما در قسمت دوم تقریباً در تمام لحظات زندگی این دو حضور دارد! شهاب که حسام نواب‌صفوی نقش آن را ایفا می‌کند، شخصیت معلوم‌الحالی است که نه پرداخت مناسبی دارد و نه مشخصاً وضعی‌تیش در طول داستان قابل‌وصف است. به‌درستی مشخص نیست از کجا آمده و چطور در داستان قرار گرفته و به‌یکباره در طول داستان نیز به حال خود رها می‌شود تا بتوانیم دوباره او را در سکانس آخر ببینیم که بازگشته! به‌طور کل حضور این شخصیت جز آن‌که موقعیت شوخی دیگر بازیگران را مهیا نماید، توفیق دیگری نداشته. شاید تنها نکته مثبت فیلم را باید خود رضا عطاران دانست که در سال‌های اخیر به‌تنهایی ژانر مختص به خود را در سینمای ایران پایه‌گذاری کرده؛ ژانری که در آن تمام بار کم‌دی فیلم‌نامه‌های به‌شدت ضعیف و نم‌پس‌داده بر دوش او قرار داده می‌شود و او هم با طنای ذاتی‌اش به‌خوبی از پس اجرای آن‌ها برمی‌آید.



مدیر فیلمبرداری
 محمود کلاری
 مدیر برنامه ریزی و دستیار اول کارگردان
 علیرضا شمس شریفی
 طراح چهره پردازی
 سعید ملکان
 تدوین
 سیامک مهماندوست
 جانشین تهیه کننده
 علی قربان زاده
 موسیقی
 امیر توسلی
 صدایزد
 فرشید احمدی
 طراحی و ترکیب صدا
 حسین اولی‌صادق
 طراح لباس
 گلنار گلشن
 طراح صحنه
 محسن نصرایی
 جلوه های ویژه بصری
 سید هادی اسلامی
 مدیر تولید
 حسین هادیان فر
 مجری طرح
 مجید مطلبی
 عکس
 احمدرضا شجاعی





هدیه‌های هشتایی‌ها

نام‌ها ت همین الان رسید...

دوست نوجوان من! هدهد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان رضوی با همکاری روزنامه هشت به‌سمت شما پرواز کرده تا شما پرنده‌های شجاع و زیبا را ببرد به کوه قاف. اگر شما هم به هدهد کمک کنید، ما زودتر به آنجا می‌رسیم.
پست الکترونیکی ما: hodhod8@kpf-khr.ir

با سلام خدمت مربی عزیز ادبی، امیدوارم حال شما و دوستان و همکارانتان در کانون پرورش فکری خوب باشد و در سلامت کامل باشید. ایام ماه مبارک رمضان را تبریک می‌گویم. ما را در این لحظات از دعای خویش محروم نکنید. معلم عزیزم دلم می‌خواست فرصتی پیش می‌آمد و شما را از نزدیک ملاقات می‌کردم. دلم خیلی برای کتابخانه و کتاب خواندن تنگ شده‌است. قبلاً که کتاب‌های کتابخانه را می‌خواندم، روحیه‌ام برای تلاش در خیلی کارها بالا بود. اما مدتی است که اشتیاق به زندگی را هم از دست داده‌ام. در تلاشم که خاطرات چهار سال عضویت‌م در کتابخانه را با تمام خوب و بدش بنویسم، اما نمی‌شود. خاطر آتش یا کوتاهند یا خیلی بلند و خُب خاطره با داستان متفاوت است. به هر حال مشتاق دیدارم و منتظر نظر تان درباره داستان‌هایم. لطفاً داستانم را بخوانید.

آقای شادی و خانواده در طبیعت

تنه‌های نصفه درختان عزیز و صد ساله بود. رفتم ترمسول محترم و پرپریدم درخت‌های این محفل رو لب بردار؟ گفت: برای کاغذ و زغال و آتش و اسکناس و خیلی چیزهای دیگه اون رو قطع کردند!

یک‌روز خوب و آفتابی قرار شد با خانم و بچه‌ها بریم به طبیعت و لذت ببریم. قرار گذاشتیم برویم کنار رودخانه. بچه‌ها خیلی خوشحال شدند و خانم والده وسیله‌ها را جمع کردند و راه افتادیم. وقتی رسیدیم، تنها چیزی که از طبیعت و درختاش دیدیم، تنه‌های نصفه درختان عزیز و صدساله بود. رفتم نزد مسؤل محترم و پرسیدیم درخت‌های این جنگل رو کجا بردن؟ گفت: برای کاغذ و زغال و آتش و اسکناس و خیلی چیزهای دیگه اون رو قطع کردن! گفتیم: باشه و رفتم برای درست کردن غذا. غذا را پختیم و نوش جان کردیم. یک‌دفعه یک صدای خیلی وحشتناک بلند شد! تق، تق، تق. دیدیم و دیدیم شکارچیان محترم، غازهای زیبای درحال پرواز را شکار کرده‌اند. رفتم پیش مسؤل محترم و گفتم: مگه اینجا منطقه حفاظت‌شده نیست؟ گفت: بله، مشکل شما چیه؟ گفتم: اگر منطقه حفاظت‌شده است، چرا شکار می‌کنند؟ گفت: اینا خارجی هستند و پول دادند، شما هم اگر دوست دارین پول بدید و برید شکار کنید! هیچی نگفتم و با خانم بچه‌ها برگشتیم. عصری قرار شد بریم لب رودخانه، البته اگر بشود گفت رودخانه! بیشتر آشغال‌خانه بود! مردم می‌خوردند و می‌ریختند. یک لحظه دلم برای حافظ با اون مصرع شعرش سوخت: «نشین بر لب جوی و گذر عمر ببین». الان اگر زنده بود حتماً می‌گفت: بر لب رود نشین و گذر پلاستیک‌ها را ببین. طبیعت به لطف مردم طبیعت‌دوست، بسیار زیبا ترزین شده بود و من و خانواده‌ام بسیار لذت بردیم. هوای خیلی خیلی پاک، گل‌های زیبا، درختان تنومند و... ممنونیم از این‌همه توجه شما به طبیعت.

دوست شما: ثریا

از کتاب دور نشو

پاسخ‌مرکز آفرینش‌های ادبی
کانون خراسان رضوی:

به نام خدایی که از بوی گل بهتر است
«مهمانی»
در باغچه مهمانی بود/ شقایق / مریم و مینا/ پونه / نرگس و نسترن / بنفشه / همگی خوشحال و خندان بودند / آفتاب مهمانی را گرم می‌کرد / پرستو آواز می‌خواند و گل‌ها دست در دست نسیم می‌رقصیدند / باران هم دعوت شده بود / ولی وقتی که آمد / مهمانی به‌هم خورد!
نویسنده: حسین تولاتی از کتاب «شماره تلفن پرنده‌ها»
دوست عزیز و مهربان ثریا خانم سلام.
یک سلام گرم مثل روزهای دوستی، تقدیم تو یاد. یک‌عالمه داستان و نوشته و نامه از تو به دستم رسید و خدا می‌داند که چقدر از خواندن آن‌ها لذت بردم. می‌خواندم و می‌گفتم خدا را شکر، قلم ثریا چقدر رشد کرده است. ثریاجان خدا نکند که از کتاب دور بیفتی. اگر حتی فرصت و یا زمینه ارتباط با کانون پرورش فکری و کتابخانه‌های سی‌تارش را نداری، خودت کتاب خواندن را جدی بگیر و حتماً بخشی از درآمد یا پس‌انداز ماهیانه‌ات را برای خودت کتاب بخر. لطفاً کتاب خواندن را جدی بگیر و هیچ‌چیزی را جایگزینش نکن و هیچ بهانه‌ای هم برای نخواندنش قبول نکن. این‌همه تأکید من برای این است که در نوشتن خیلی خوب رشد کرده‌ای و انگار داستان‌نویسی کاملاً برایت یک امر جدی شده است. آثارش شروع خوب و حادثه و شخصیت‌پردازی دارد و تمام این اتفاق‌ها به‌تدریج و به‌خاطر استمرار تو در نوشتن به‌دست آمده است. همراه این نامه برایت داستانی می‌فرستم. حاشیه داستان، مطالبی درباره برخی عناصر داستانی نوشته‌ام، لطفاً با دقت بخوان. راستی تو هم می‌توانی بعد از خواندن یک داستان، نقد و نگاهت را خیلی راحت و روان بنویسی. این نگاه نقادانه در یادگیری غیرمستقیم عناصر داستان به تو کمک می‌کند. در بعضی از داستان‌های اصلی داستان آقا بود و با اینکه دختر نوجوان هستی، خیلی خوب یک فضای مردانه و احساساتش را بیان کردی. هرچند در ابتدای نوشتن بهتر است در فضای تجربه و تخیلی که هستی بنویسی. اشکال بسیاری از داستان‌هایت فضاسازی کم‌رنگ داستان بود. توصیف‌ها در فضاسازی نقش مؤثری در پیش‌برد داستان دارند. به این مثال من توجه کن: «درخت‌خواب تاشده کنار دیوار بود. کنار میز کامپیوتر یک جعبه لوح فشرده بود و کنارش چند کتاب روی هم. تابلوی تیم ورزشی با لباس‌های آبی درحالی که دست در گردن هم داشتند، پشت به تور فوتبال بر دیوار خودنمایی می‌کرد...» حالا با این توصیف مقایسه کن: «پتو شتاب‌زده کناری افتاده بود و لوح‌های فشرده روی زمین پهن بود. یک‌طرف پوست تخمه کنارش بود که بخشی از آن جابه‌جا روی زمین پخش شده بود. روی دیوار تابلوی بزرگی بود که از دل سیاهی تابلو، پلنگی خشمگین بیرون می‌آمد...»
خب ثریاجان اگر از تو بخواهم درباره صاحب این دو اتاق حرف بزنی و درباره شخصیت آن‌ها توضیح بدهی، چه می‌گویی؟ آیا این دو شبیه هم هستند؟ صاحب این دو اتاق چه ویژگی‌هایی دارند؟ شما بدون اینکه نیازی باشد درباره یک شخصیت حرف بزنی و او را معرفی کنی، با توصیف اتاقش، ویژگی‌های او را گفتی. پس حواست باشد که با فضاسازی در داستان می‌توانی شخصیت‌پردازی هم بکنی. درباره «آقای شادی و خانواده در طبیعت» به نکته‌های جالبی اشاره کردی. فکر کردم این داستان هم می‌تواند سریالی و ادامه‌دار باشد. می‌توانی کتاب «خانواده آقای چرخشی» را هم بخوانی. این کتاب نوشته «طاهره ابید» و چاپ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است و تا به حال برگزیده چند جایزه شده است. موضوع این کتاب هم مثل بیشتر داستان‌های تو درباره مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی است. حتماً خاطرات روزهای حضورت در کتابخانه‌های کانون را بنویس. مطمئن باش پشیمان نمی‌شوی. هدیه‌هایم را بپذیرا باش. آرزو می‌کنم نگاه مهربان خداوند بر زندگی‌ات باشد. مواظب خودت باش. خداحافظ

دوست تو در مرکز آفرینش‌های ادبی

هشتکو

جایی برای خندیدن، شاد بودن و حرف‌های خوشمزه زدن است.

یه هواپیما داشته سقوط می‌کرده، همه داشتن دادوفریاد می‌کردن، به‌جز یه نفر. ازش می‌پرسن تو چرا دادوفریاد نمی‌کنی؟ می‌گه، هواپیما که برای من نیست، بذار سقوط کنه.

خوشمزه‌خان

طرف رفته ۱۲ سال تلاش کرده، ۷ صبح پاشده رفته دانشگاه درس خونده، که آخرش بشه استاد دانشگاه و دوباره ۷ صبح پاشه بره دانشگاه درس بده! آخه چه کاریه!

تنبل‌خان

سه ساعت می‌خوابم، یک‌ساعت در مرحله ریکاوری پس از خواب روی تخت دراز می‌کشم.

تنبل‌خان

طرف توی هواپیما می‌ره داخل کابین خلبان و با تهدید می‌گه: برو فرانکفورت! خلبان یه‌نگاهی بهش می‌کنه و می‌گه: پس اسلحه‌ات کو؟ طرف می‌گه، رفاقتی برو دیگه! حتماً باید زور بالا سرتون باشه!؟

خوشمزه‌خان

زنگ زدم یه‌جا برای کار... بهم می‌گه که ۱۵ روز کار، ۱۵ روز استراحت. ماهی ۶۰۰ تومن! بهش گفتم نمی‌شه اون ۱۵ روز رو هم نیام، ماهی ۳۰۰ تومن؟ هیچی دیگه! نمی‌دونم چرا انقدر ناراحت شد.

تنبل‌خان

سر جلسه امتحان از بغل دستیم می‌پرسم جواب سؤال ۷ چی می‌شه؟ بر گشته می‌گه، عجب حواس‌پر تی هستی تو! صفحه ۳۲۸ جوابش اومده بود دیگه! مراقباً جلومو گرفتن نکشمش. شماره صفحه سؤالرو هم حفظ کرده بود!

خوشمزه‌خان

ابتدایی که بودیم، همین این می‌گفت آقا اجازه! مشقارو نمی‌بینیدی؟

خسیس‌خان

خسیس‌خان توی جاده تصادف کرد. همش می‌زد توی سرش که، ماشینم داغون شد! یکی بهش گفت: حرص ماشینتو نخور! دستت رو نگاه کن! از مچ قطع شده. نگاه کرد و گفت، وای بر من، پس سامتم کو؟

خسیس‌خان

در محیط کار، از زیردستان خود انتظارات نامعقول نداشته باشید....

آقا خشایار! یه چایی بیار، بعدش لوز المعدمه میخاره!! بیا بخارون!

https://telegram.me/khoosroanjom_majid